

تحلیل محتوایی و سبکی نسخه خطی «بحر چهارم از بحر العلوم» میرزا حسن زنوزی خویی

معصومه رحمانی فر، نجیبه هنرور*، مجتبی صفر علیزاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

سال شانزدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۴، صص ۱۵۱-۱۳۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.16.7185

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: اجداد میرزا محمدحسن زنوزی خویی، از علما و فضایی عصر خود بودند که از زمان صفویه در زنوز و خوی سکونت داشته‌اند و نسخه بحر العلوم در دوره قاجار شاهکار وزین اوست. هدف پژوهش در این مقاله، معرفی و بررسی تحلیل محتوایی و سبکی «بحر چهارم» این اثر ارزشمند میباشد؛ زیرا ۲۳ تصحیح نسخ خطی و زنده کردن این متون از مهمترین و ریشه-ایتترین منابع تحقیق زبان و ادبیات فارسی است.

روش مطالعه: نظر به منحصر بفرد و تک‌نسخه بودن، روش ما برای تصحیح نسخه، قیاسی بوده و بدلیل ناخوانا یا محو بودن کلمه، در صورت ضبط، واژه‌ای مناسبتر جایگزین شده است و ضبط‌های مغلوط و نادرست نسخه مورد پژوهش، به باری قراین موضوعی و زبانی و تاریخی و... با دیگر آثار به‌جامانده از نویسنده قیاس شده و در نهایت مناسبترین کلمه جایگزین گردیده است و مصحح در این شیوه از قوه حدس و تشخیصی که در کار متن‌شناسی پرورده ساخته در محدوده ضوابط و رعایت قراین تاریخی و فرهنگی بهره گرفته است؛ علاوه بر این محتوای نسخه، اعم از عرفانی، سبکی و... به روش «تحلیل محتوا» مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: در این اثر، انتخاب نوع نگارش و تنوع آثار منظوم و منثور به دو زبان فارسی و عربی قابل توجه است؛ به این دلیل که آغاز نسخه به زبان عربی با کلامی از علامه مجلسی، درباره شناخت عقل و معنای عقل بایی را به نام «بسط کلام لتوضیح مرام» پرداخته و در ادامه ماهیت عقل و ابواب آن را توضیح داده است؛ سپس با حکایتی فارسی از نوشیروان عادل ادامه داده و بعداً حکایتی عربی از امام صادق (ع) در مورد اعمال انسان در دنیا و آخرت آورده که با شعری از سعدی ادامه پیدا میکند و این روایت در جای جای نسخه مشهود است که باعث بررسی سبک نگارش آن در سه سطح فکری، زبانی و ادبی شده است.

نتیجه‌گیری: زنوزی در این اثر به آیات، روایات و احادیث معتبر و اشعاری از شعرای بنام چون حافظ و سعدی و مقلدانش استناد کرده که فهم مطلب را سهل نموده است. در پاره‌ای از موارد نیز حکایاتی آموزنده از گلستان و حکایاتی ساده و مسجع تحقق این امر را ممکن ساخته است. بدیع لفظی و معنوی از قبیل سجع، جناس، ایهام، تلمیح، تمثیل و در حوزه بیان تشبیه، استعاره، و کنایه از ویژگیهای این نسخه میباشد.

تاریخ دریافت: ۰۹ اسفند ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۰۵ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۲ خرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

نسخه خطی بحر چهارم بحر العلوم،
تحلیل محتوا، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

Najibeh.honarvar@irukhoy.ac.ir

۳۶۴۳۰۰۱ (۴۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Content and stylistic analysis of Manuscript of the “Forth Bahr (forth chapter) of Bahr al-Ulum” Mirza Hasan Zonuzi Khoyi

M. Rahmanifar, N. Honarvar*, M. Safar Alizadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 28 February 2023

Reviewed: 09 April 2023

Revised: 25 April 2023

Accepted: 02 June 2023

KEYWORDS

Manuscript of the fourth Bahr of Bahr al-Uloom, Content analysis, Stylistics.

*Corresponding Author

✉ Najibeh.honarvar@irukhoy.ac.ir

☎ (+98 44) 36430001

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The ancestors of Mirza Mohammad Hassan Zenozi Khoyi were prominent scholars and nobels of their era who resided in Zenooz and Khoy since the Safavid period. The Bahar al-'Uloom manuscript was his masterpiece of the Qajar era. The purpose of the research in this article is to introduce and analyze the content and style of the forth Bahr or chapter of this valuable work, because correcting the manuscript copies and bringing these texts to life are among the most important and fundamental sources of research on Persian language and literature.

METHODOLOGY: the unique and single copy of the manuscript, our method for correcting has been analogical. And due to illegibility or unclear word, in case of recording, a more suitable word has been replaced and the erroneous and incorrect recordings of the researched version have been compared with other works left by the author with the help of thematic, linguistic and historical evidences, finally, the most appropriate word has been replaced and the proofreader in this way used the his guessing and discernment power that was developed in the work of textual analysis within the limits of historical and cultural criteria and evidence. In addition, the content of the manuscript, whether mystical, stylistic, etc., has been analyzed by the method of content analysis.

FINDINGS: The selection, type of writing, and the variety of verse and prose works in both Persian and Arabic languages are noteworthy in this work. The reason for this is that the beginning of the book is in Arabic includes a statement by Allama Majlesi about the recognition and meaning of wisdom, entitled 'Expanding the Words to Explain the Goal.' Subsequently, the nature of wisdom and its branches have been explained." "Then, the story continues with a Persian fable about Nushirvan Adel, and later an Arabic fable by Imam Sadiq regarding human deeds in this world and the afterlife, it continues with a poem by Saadi. Thia procedure is evident everywhere in the manuscript which makes the writing style of the book to be examined in three levels.

CONCLUSION: Zenozi has used verses from the Quran, authentic narrations and hadiths, as well as poems from famous poets such as Hafez, Saadi and his followers in this work, which made the understanding of meaning easy, and in some cases an instructive anecdote from Golestan and a simple and comforting story made this possible, verbal and spiritual innovations such as rhyme, analogy, allusion, implication, and allegory, and in the field of expression, simile, metaphor, and innuendo are among the features of this version."

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7185](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7185)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 15	 0	 0

مقدمه

با تصحیح متون و نسخ گذشته و نگاهی انتقادی به آنها که در گوشه کتابخانه‌ها جا خوش کرده‌اند میتوان تمدن و آداب و رسوم گذشته و حال را به هم گره زد و به نتایج مطلوبی در زمینه تاریخ، ادب، فرهنگ، و سنن دست یافت؛ این امر اگر با در نظر گرفتن معیارهای علمی و رعایت امانتداری همراه باشد، بر ارزش و اهمیت آن افزوده خواهد شد. «تصحیح متون بخلاف آنچه به طنز گفته‌اند، «نبش قبر» نیست؛ گنجیابی و احیای فرهنگ است، کاری است بس خطیر» (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۳: ۴). «در نشر متون خطی و قلمی فارسی فایده بزرگی نهفته است و آن آگاهی از تحول زبان فارسی و اختصاصات سبکی بخصوص فراهم آمدن لغات اصیل است» (ستوده، ۱۳۸۰: ۴۳۲). «بعضیها دوره نادر را تنها دوره شمشیر خوانده‌اند؛ اما به سبب از بین رفتن فشار و تعصب و کم شدن نفوذ درباریان و پیش آمدن تحولات و انقلابات، مقدمه نهضت ادبی در این عهد فراهم شده است» (سبحانی، ۱۳۸۱: ۲۹). «در عهد زندیه به سبب رواج سبک متکلف هندی و نکته‌پردازیه‌ها و مضمون‌سازیه‌ها، نهضتی در ادبیات پدید آمد که به نهضت بازگشت به سبک قدیم معروف است» (همان: ۲۳۱). «البته هرچند بدلیل استقلال شاعران و نویسندگان و همچنین مضمون‌پردازیه‌های تکراری، سبک مستقلی در این دوره پدید نیامد و به نظر بعضیها دوره رکود ادبی به شمار میرود، اما نمیتوان انکار کرد که ما در این دوره (زندیه) شاهد نگارش و چاپ آثار بسیار متعدد سیاسی اجتماعی، ادبی و تاریخی هستیم؛ ولی با این حال چه بسیار آثاری که هنوز به نسخه خطی در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور وجود دارد که نیاز به تحلیل و تصحیح و ارزیابی دارد» (گل محمدی، ۱۳۷۰: ۲۵).

با این اوصاف ملاحظه میشود که این نوشته‌ها اگر بصورت علمی بررسی شوند، به غنای فرهنگی و ادبی ما کمک میکنند. نویسنده برای بیان مقصود خود از شواهدی قوی و قابل استناد چون آیات و روایات و آثار بزرگان در زمینه‌های دینی، تاریخی، ادبی، و حکایات آموزنده بهره برده که گردآوری این نوشته‌های ارزشمند در یک نسخه، و مهارت او در ارائه ویژگیهای سبکی آن هم در دوره‌ای که زبان و ادبیات فارسی نسبت به گذشته درخشان خود دچار رکود ممتدی گردیده بود، نیازمند دانشی عظیم و صبری جزیل است که میرزا محمدحسن زنوزی این قابلیت را نشان داده است. بحر چهارم از بحرالعلوم نسخه‌ای از دوره قاجار است که تا کنون تصحیح نشده و با تصحیح آن میتوان به خصوصیات ادبی، زبانی و فکری نظم و نثر در این دوره دست یافت و چه بسا با واکاوی آن میتوان به اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی این دوره نیز رسید.

سابقه پژوهش

با جستجوهای که از طریق اطلاعات پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایرانداک و کتابخانه‌های مرکزی کشور و فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) انجام شد، درباره تعلق و تصحیح نسخه خطی بحرالعلوم مرحوم میرزا حسن عبدالرسول حسینی زنوزی خویی هیچ پیشینه‌ای یافت نشد؛ اما درباره خود مؤلف و آثار او، تحقیقاتی هرچند اندک صورت گرفته است؛ از جمله: «معرفی نسخه خطی روضه هفتم ریاض الجنه از میرزا محمدحسن زنوزی خویی»، از هنرور و همکاران (۱۳۹۲) و «دیوان اشعار میرزا عبدالرسول بن میرزا حسن زنوزی خویی» به تصحیح شهریار حسن‌زاده.

روش مطالعه

ابتدا به روش فیش‌برداری بحر چهارم از بحرالعلوم مورد بررسی قرار گرفت و در مرحله بعدی با مطالعات کتابخانه‌ای

از منابع مرتبط تعاریف و مطالب مربوط در مورد تصحیح و تعلیق نسخه‌های خطی گردآوری شد. سپس تحقیقاتی که در مورد آثار میرزا حسن عبدالرسول حسینی زنوزی خوبی نگاشته شده‌اند مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته‌اند. از آنجا که بحر چهارم تک‌نسخه است، فقط نسخه حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

بحث و بررسی

«میرزا محمدحسن زنوزی خوبی، عالم و ادیب و متکلم فرزند حاجی میرزا عبدالرسول، از سادات زنوز است» (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۵۲). اجداد وی از علما و فضلاء عصر خود بودند که از زمان صفویه در زنوز و خوی سکونت داشته‌اند. میرزا محمدحسن زنوزی، شجره‌نامه خانوادگی خویش را، که با بیست‌وچهار واسطه به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام میرسد، به رشته تحریر درآورده است (رفیعی، ۱۳۷۰: ۲۱). «به تصریح خود او در روضه چهارم ریاض‌الجنة (نسخه آیه‌الله مرعشی، صفحه ۵۷۹ و نسخه تبریز صفحه ۸۸۳)، پس از گذشت هشت ساعت از روز شنبه هجدهم ماه صفر ۱۱۷۲ ه.ق. در شهرستان خوی زاده شد، اما دوساله بود که به همراه پدر خود به زادگاه خانوادگی خویش، قصبه زنوز رفت و در همانجا به فراگیری مقدمات علوم نزد ملای قصبه زنوز پرداخت. هنگامی که وی به ده یا دوازده‌سالگی رسید و زبان فارسی را فراگرفت، پدرش بنا بر مشورتی که با تنی چند از علما راجع به وضع تحصیلات فرزند خود کرد، ایشان را از زنوز به تبریز برده و در آن شهر به دست ملّا محمد شفیع دهخوارقانی که عالمی ربّانی و پرهیزکار بود سپرد. میرزا محمدحسن، پس از چهار یا پنج سال که نزد وی دانش آموخت، در سن هجده‌سالگی مجدداً با اجازه پدر خود، به شهر خوی بازگشت و نزد علمای آن شهر به کسب دانش پرداخت. او حدود پنج سال نزد عالم فاضل، مولی عبدالنّبی بن شرف‌الدین طسوجی تبریزی، به فراگیری علوم چون ادبیات، ریاضیات و فقه و اصول پرداخت و در این علوم مهارت یافت. میرزا حسن پس از ده سال اقامت در خوی چنانکه خود تصریح کرده است در ۱۱۹۵ ق. در حالیکه بیست‌وسه‌ساله بود عازم عتبات عالیات گردید و به عراق سفر کرد و به زیارت قبور ائمه طاهرين علیه‌السلام مشرف شد و مدت چهار سال در آن دیار به تحصیل فقه و حدیث و اصول نزد جماعتی از علمای بزرگ و فضلاء برجسته نجف و کربلا پرداخت» (همان: ۲۶). وی «پس از اینکه کوله‌باری از علم و دانش و معرفت کسب کرد، از عراق به ایران بازگشت و به خوی، وطن خود، شتافت و گویا در خلال همین مسافرتها بوده است که یادداشتهای پراکنده‌ای درباره مطالب مختلف جمع‌آوری نموده بود که بعدها اساس پی‌ریزی کتابهای مهم بحرالعلوم و ریاض‌الجنة گردید» (همان: ۱۷). «میرزا حسن فردی پرکار بود و علاوه بر تألیفات، اشتغالات دیگر اجتماعی از جمله قضاوت شهر خوی و سلماس را نیز بر عهده داشت. میرزا حسن در شعر و شاعری نیز از قریحه‌ای لطیف و نازک برخوردار بود و به زبانهای ترکی، فارسی و عربی شعر میسرود و از اشعارش پیداست که سری پرشور داشته و از ذوق و صفا برخوردار بوده است. او خود میگوید در اوایل شباب گهگاهی به فکر سرودن شعر میفتاده است و اشعار بسیاری در این دوره سروده است که از میان رفته است؛ زیرا آنها را تدوین و ثبت نکرده است. او در شعر به فانی تخلص داشته است» (همان: ۳۳).

زنوزی علاوه بر بحرالعلوم، آثار ارزنده دیگری نیز دارد که به شرح زیر است:

۱- رساله ادعیه بعضی آفات و بلیات که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی موجود است.

۲- زبده‌الاعمال به عربی در ادعیه و آداب. این کتاب را در خوی نوشته و در سال ۱۲۱۳ ه.ق به پایان برده است.

۳- روضه‌الامال ترجمه کتاب زبده‌الاعمال.

- ۴- ریاض مصائب الابرار.
 - ۵- شرح الاستبصار در چند مجلد.
 - ۶- المحفزة فی الفنون المختلفة.
 - ۷- وسیلة النجاة در اوراد و ادعیه و اخلاق و مواعظ و ذکر مصائب معصومین (ع) که آن را به نام فتحعلی شاه قاجار نوشته و آن را بر یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه مرتب نموده است.
 - ۸- ریاض الجنه، تفصیل مطالب مختصر کتاب بحرالعلوم است.
 - ۹- دیوان اشعار وی را که شامل ۵۵۶۴ بیت است، شهریار حسن زاده تصحیح کرده و با عنوان «دیوان فانی خویی، موسوم به گنج الله» در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسانده است.
- به دلایل ذیل تصحیح و نشر نسخه اثر چنین نویسنده فاضلی، قطعاً میتواند منبع غنی برای محققان باشد:
- چون نسخ خطی با راحتی قابل تهیه و مطالعه نیستند و دستیابی به این نسخه برای محققان سهولت میسر نیست و قدمت رسم الخط و شیوه قدیمی نگارش آن، جویندگان این نسخ را با دشواری روبرو میکند، اهمیت تصحیح این نسخه را آشکار میسازد.
- حاوی اصطلاحات درون متنی نسخهها شامل هاشم، رکابه، تزئینات، رموز و مسووده میباشد.
- با گردآوری متون نظم در زمینه نظم اشعاری از شعرای مختلف با قالبهای شعری متفاوت و در حیطه نثر، بیان نثرها در زمینه تاریخی، تعلیمی، عرفانی و نثرهای مصنوع و حکایات آموزنده گوناگون و ضرب المثلها و آیات و ادعیه و نیایشها به زبان عربی و فارسی دارای اهمیت است که توانسته با امانتداری و انتقال اطلاعات، در حفظ آثار پیشینیان و اطلاعات مربوط به دورههای قبل گامهای چشمگیری بردارد.

معرفی نسخه و ویژگیهای کلی آن

کتاب بحرالعلوم یا دوائرالعلوم، مشتمل بر یک سفینه، هفت بحر و یک ساحل است که مباحث آن درباره علوم متفرقه ادبیات، تاریخ، حکایات، قصص، امثال و وقایع مهم و قسمتی از تاریخ خوی است. زنوزی در این کتاب، کلام خود را با کلمات فصیحی عرب و عجم آرایش داده است. این کتاب بصورت کشکول بوده و شامل مطالب تاریخی، ادبی، عرفانی، فلسفی، به زبان فارسی و عربی بصورت نظم (نمونه‌ای از نظم عربی در صفحه شش نسخه مشهود است) و نثر که همراه با شواهد شعری از شعرای مختلف و همچنین شواهدی از منابع متون نثر میباشد. کتاب دارای دو جلد است و نسخه حاضر جلد دوم بحرالعلوم میرزا حسن زنوزی خویی است و موضوع آن دانشنامه فارسی و عربی میباشد. تعداد برگ ۳۶۳ بوده و شماره مسلسل ۱۲۸۵۲ است. اندازه آن ۲۱×۵/۳۲ سانتیمتر میباشد که در جلد اول آن بحر (شعبه) یک تا سه گنجانده شده و در جلد دوم آن بحر یا شعبه ۴ تا ۷ میباشد. یک نسخه از این کتاب در قم و نسخه دیگر در تبریز میباشد. دو قسمت اول و دوم در قم کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود میباشد، اما در شهر تبریز فقط جلد اول موجود است؛ بنابراین جلد دوم تک نسخه است. «جوهر آن سرخ بوده و کاغذ از نوع فرنگی است. از لحاظ سطر بندی آن مختلف السطور و جلد نسخه از نوع تیماج تریاکی است. کشکول مانند جلد دوم در چهار شعبه حاوی مطالبی متفرقه است» (سیدیونسی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

نگارش ظاهری نسخه

نگارنده برای زیبایی ظاهری نسخه سعی داشته آرایشهای رایج نسخ خطی از جمله چلیپا را مد نظر داشته باشد که یکی از زیباترین و رایجترین انواع قطعه و وسیله هنرنمایی و ذوق آزمایی و همچنین تربیت هنری است. چلیپا

که در اصل به معنی صلیب و در اصطلاح به معنای کج و مورّب و متقاطع است و در اصطلاح خوشنویسی به نوشتن مورّب دو بیت یا چهار مصرع از شعری با مضمون واحد در یک واحد صفحه مستطیل و در چهارچوب اصول و قواعد کلاسیک نگاشته میشود، اطلاق میگردد که اوج هنرنمایی و ابتکار و تواناییهای اجرایی خوشنویسی در آن تجلی مییابد. بعنوان نمونه دو بیت ذیل از قصیده سعدی در نسخه بدین صورت نوشته شده است:

پیش از آن کز دست بیرون برد گردش گیتی زمام اختیار
گنج خواهی، در طلب رنجی ببر خرمی میباید، تخمی بکار
(ص ۶ س ۷-۳)

و یا در بیشتر صفحات نسخه، نوشته‌هایی به خط سرخ دیده میشود که برای زیبایی استفاده شده است. برای نمونه در صفحه بیست نسخه، معرفی قصیده خاقانی چنین آرایشی دارد. کاتب در تعدادی از صفحات عدد «پنج» سرخ‌رنگ به تنهایی یا همراه «پنج» مشکی برا تفکیک مباحث از جمله، جدا کردن نظم و نثر (ص ۲۶ س ۸)، (ص ۹۲ س ۲) یا بجای ویرگول در نگارش عربی (ص ۳۰ س ۲۸)، (ص ۹۴ س ۳۹) بهره برده است.

بر اساس اذعان سید محمود مرعشی نجفی به سال ۸۲/۰۹/۱۵ که در برگ اول این نسخه درج گردیده، نسخه حاضر به دستور مؤلف با خط نسخ زیبا در سال ۱۲۰۸ کتابت شده است. «شایعترین خط در نسخه‌نویسی خط نسخ است و به دو شیوه میباید» (فدائی، ۱۳۸۷: ۶۲):

۱- شیوه کهن خط نسخ: «این خط تا اوایل نیمه دوم قرن هشتم هجری قمری بود و در این دوره خط نسخ از زیبایی چندانی برخوردار نبود. ۲- شیوه نسخ جدید: خط نسخ جدید که از نیمه دوم قرن هشتم آغاز شد و در این دوره، دور حروف بیشتر و قلم نسخ منسجمتر و زیباتر شده است و کاتب جنبه زیباشناسی را بیشتر مد نظر داشته است» (وفادار، ۱۳۷۹: ۴۹).

از آغاز تا پایان خود مؤلف آن را تصحیح کرده و دستخط وی در حواشی موجود است که بسیار شناخته شده است و چند نسخه خطی دیگر از آثار وی که خودش تصحیح کرده و موجود میباشند ادله‌ای بر مسوّدّه بودن نسخه دارد. اکثر صفحات حاشیه‌نویسی شده که در نگارش آنها به تزئین صفحات نیز نظر داشته و در بیشتر مواقع نوشته‌های حاشیه، بخشی از متن اثر میباشند.

«در کناره‌های سه‌گانه صفحات، کتاب یا رساله‌ای غیر از کتابی که در متن کتابت شده است درج میگردد، یا مطالب کتاب را بصورتی نوشته‌اند که دنباله مطالب متن هر صفحه، در سه کناره متن همان صفحه نوشته شده باشد که به آن هامش میگویند» (اصغری هاشمی: ۱۳۸۸، ۳۶۴). بعنوان نمونه در حاشیه صفحه سه نسخه، پندنامه معروف بزرگمهر توسط عبدالله فرزند امین السلطان علی‌اصغر خان اتابک اعظم وزیر دربار ناصرالدین شاه به خط شکسته نستعلیق زیبا نوشته شده است که در آن پرسش‌کننده، بزرگمهر و پاسخ‌دهنده، استادش است.

وی در نگارش نسخه از فن رکابه‌نویسی استفاده کرده است که در بعضی جاها ایراداتی دیده میشود. «پیشینیان برای ثبت رکابه چنین عمل میکردند که یک یا چند واژه آغازین از صفحه سوی چپ را در پایین صفحه سمت راست مینوشتند. این روش برای مرتب کردن نسخه پس از آسیب دیدن و پریشان شدن برگه‌های آن ابداع شد» (صفری: ۱۳۹۰: ۱۲۳). بعنوان نمونه در صفحه صدوسه نسخه، واژه «ابیطالب» میباید؛ در حالیکه صفحه صدوچهار با «قربۀ العرس» شروع شده است.

بعلت پخش جوهر، مثلاً در صفحه ۱۸، یا عدم جوهر کافی، بعضی صفحات نسخه مانند صفحات «۲۸-۱-۴۳» ناخوانا میباشند. در صفحات «۱۴۱-۱۳۸-۵۴-۵۲-۵۰-۴۲» قسمتهایی از نوشته بطور کامل خط خورده است؛ بدون

اینکه جملاتی جایگزین آن شده باشد. یا در صفحه بیست و هشت، سطر هفت نسخه بعد از کلمه «دل» واژه «خدا» قلم خورده و بالای قلم خوردگی، کلمه «دنیا» نوشته شده، که قبلاً «دل از خدا برداری» بوده است که بصورت «دل از دنیا برداری» اصلاح شده است. در همان صفحه در سطر بیست و یک یک کلمه (روی) جا افتاده و بعداً در بالای جمله اضافه شده است: اگر در آب (روی) خسی باشی.

آغاز نسخه با کلامی از علامه مجلسی، به شناخت عقل و معنای عقل، در بابی به نام «بسط کلام لتوضیح مرام» پرداخته و در ادامه ماهیت عقل و ابواب آن را توضیح داده است.

آغاز (نسخه حاضر): اَعْلَمُ أَنَّ الْعَقْلَ فِي الْعِلْمِ هُوَ تَعْقِلُ الْأَشْيَاءِ وَ فَهْمَهَا وَ فِي الْأَصْلَاحِ يُطْلَقُ عَلَى الْأُمُورِ (الاول) هُوَ قُوَّةُ الْأَدْرَاكِ تَاخِيرٌ وَ الشَّرُّ وَ التَّمَيُّزُ بَيْنَهَا وَ التَّمَكُّنُ مِنْ مَعْرِفَةِ اسْبَابِ الْأُمُورِ ذَوَاتِ الْأَسْبَابِ وَ مَا يُودَى إِلَيْهَا وَ مَا يَمْنَعُ مِنْهَا وَ الْعَقْلُ بِهَذَا الْمَعْنَى مَنَاطُ التَّكْلِيفِ وَ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ (الثاني) مُلْكِهِ وَ حَالُهُ فِي النَّفْسِ تَدْعُو إِلَى الْإِخْتِيَارِ الْخَيْرِ وَ الْمَنَافِعِ وَ اجْتِنَابِ الشَّرِّ وَ الْمَضَارِّ وَ بِهَا تُقَوَّى النَّفْسُ عَلَى زَجْرِ الدَّوَاعِي الشَّهْوَانِيَّةِ وَ الْغَضَبَانِيَّةِ وَ الْوَسْوَاسِ الشَّيْطَانِيَّةِ وَ هَلْ هَذَا هُوَ التَّكَامُلُ مِنَ الْأَوَّلِ أَمْ هُوَ صِفَتُهُ أُخْرَى وَ حَالُهُ مَعَايِرَةٌ لِلأَوَّلِي يَحْتَمِلُهَا وَ مَا يُشَاهِدُ فِي أَكْثَرِ النَّاسِ مِنْ حُكْمِهِمْ بِخَيْرِيَّةِ بَعْضِ الْأُمُورِ مَعَ عَدَمِ اتِّبَانِهِمْ بِهَا وَ بَشْرِيَّةِ بَعْضِ الْأُمُورِ مَعَ كَوْنِهِمْ مُوَلَّعِينَ بِهَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ هَذِهِ الْحَالَةَ غَيْرُ الْعِلْمِ بِالْخَيْرِ وَ وَ الشَّرِّ.

انجام (نسخه حاضر): و روح پاکش از بدن خاکی مفارقت نموده به عالم قدس پیوست و قبل از فوتش شاگردی از شاگردهای خود را طلبید که او را «یابد» میگفتند و در خدمت آن بزرگوار در علم و عمل کامل گردیده بود، وصیت کرد و گفت پرواز روح من به عالم قدس نزدیک شده، باید که فرایض الهی را در میان خود محافظت نمایید و از حق به باطل میل نکنید، پس فرمود که برای مدفن او عمارتی بسازد و سر خود را به جانب مغرب گذاشت و پاهای خود را به جانب مشرق دراز کرد و به عالم بقای رحلت فرمود.

تَمَّ يَعْوُنُ اللَّهُ وَ تَابِعِدِهِ الشَّعْبَةُ الرَّابِعَةُ مِنَ الْكِتَابِ الْمَوْسُومِ بِبَحْرِ الْعُلُومِ بِيَدِ مَوْلَانِ الْمُسْتَهَامِ ابْنِ عَبْدِ الرَّسُولِ الْحُسَيْنِيِّ مُحَمَّدٍ الْمَدْعُوعُ بِالْحَسَنِ إِحْسَنَ اللَّهُ خَالَهُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَاقِبَةَ أُمُورِنَا خَيْرًا.

رسم الخط و ویژگیهای نگارش نسخه

حذف «های» غیرملفوظ در اتصال به «های» جمع: «در حول مسجد حجرها بنا نمود» (ص ۱۵۳ س آخر)، «انصار دور آن خانها ساختند» (ص ۱۵۴ س ۱).

بجای «ای» همزه نوشته شده است:

ازین پرس فرسوده روزگار که بر سفره حسرت برد روزه دار
(ص ۱۹ س ۶)

خورده از شعبده دهر فریب مبتلا گشته به این زینت و زیب
(ص ۴۹ س ۴)

یا در پاره‌ای از موارد «ی» بصورت همزه نوشته شده است:

ز شکنج زلف تو هر شکن گرهی فکنده به کار من به گره‌گشایی زلف خود که ز کار من گرهی گشا
(ص ۴۷ س ۶)

نوشتن «گ» بصورت «ک»: «دید که غلام مزبور در گوشه (گوشه) نشست با زاری کریه (گریه) میکند» (ص ۱۰۷ س ۲۱).

- ای پادشاه وقت چون وقت فرارسد / تو نیز با کدای محبت برابری
(ص ۱۱ س ۳۶)
- گر کیممای دولت جاویدت آرزوست / بشناس قدر خویش که کوکرد احمری
(ص ۱۲ س ۴)
- اتصال عدد یک و پنج به کلمات بعد از خود:
در تموز و دی به سال یکدو بار / جانب شعر آمدی از طرف دشت
(ص ۲۱ س ۳)
- اگر پیش از اجل یکدم بمیری / در این یکدم دو عالم را بگیری
(ص ۳۳ س ۳۴)
- چسبیدن «ها»ی علامت جمع: «پس مانند بیکیسها و درمانده‌ها کردن» (ص ۱۴۶ س ۷).
چسبیده نوشتن نشانه مغعول: «ارغوانرا که به اضلال شیطان سالک طریق کفر و عصیان است» (ص ۱۲۵ س ۹-۸)، «از قضا غلامرا خواب گرفت» (ص ۱۰۷ س ۱۹-۱۸).
نوشتن «بی» بصورت «پی»:
- بار درخت علم ندانم بجز عمل / با علم اگر عمل نکنی شاخ پی بری
(ص ۱۲ س ۹)
- با شیر مردیت سگ ابلیس صید کرد / ای پی هنر بمیر که از گربه کمتری
(ص ۱۱ س ۳۹)
- «در کمال پی ادبی میان فرش خواب او به استراحت تمام به خواب شیرین مشغول شد» (ص ۱۰۷ س ۲۱).
چسبیدن «این»، «آن»، «همین» و «همان» به کلمه بعدی:
از خون دل طفلان، سرخاب رخ آمیزد / اینزال سپیدابرو اینمام سیه‌پستان
(ص ۲۱ س ۱)
- «رسیدیم اینجا همانجاست» (ص ۱۵۱ س ۱۲)، «همانست سر طالب از بدن جدا شد» (ص ۱۵۱ س ۴).
به کار بردن «همی» بجای «می» ماضی استمراری: «کژدم که همی بترسد و همی گریزد» (ص ۲۴ س ۳۴)،
«همیگفت ژولیده دستار و موی» (ص ۳۵ س ۳۶).
سرهم‌نویسی حرف «ب»:
- نه هرکس سزاوار باشد بمال / یکی مال یابد دگر گوشمال
(ص ۱۹ س ۲)
- «دوستان خاک پای تو را جویانند و بزیان حال گویانند» (ص ۲۷ س ۵۰-۴۹).
حرکت‌گذاری کلمات:
- گروهی نشینند با خوش پسر / که ما پاکبازیم صاحب‌نظر
(ص ۱۹ س ۵)
- حکایت کند دردمندی غریب / که خوش بود چندی سرم با طیب
(ص ۱۹ س ۳۹)

چسبیده نوشتن حروف اضافه: «در روز مکافات بچه عذابهای شدید مستحق خواهی شد» (ص ۱۰۷ س ۲۴)، «ای یاران ببینید این قصر را که بچه نحو ساخته‌اند» (ص ۱۴۴ س ۲۸).

چسبیده نوشتن حرف اضافه «به»: «حکم بقتلش واقع شد» (ص ۴۵ س ۱۱)، «و از محله بمحله و از چارسوق بچارسوقی رفته همین حالات را مشاهده نمودند و تا بعد از مدتی بوسط شهر رسیده» (ص ۱۴۹ س ۴۳).
سر هم نوشتن کلماتی که باید جدا نوشته شوند:

صاحبکمال را چه غم از نقصان جاه و مال
چون ماه‌پیکری که بر آن سرخ و زرد نیست
(ص ۲۱ س ۲۹)

نوشتن «ت» بصورت «ة» و بالعکس: «غلام همیشه در پی عبره و بصیره بود» (ص ۱۰۷ س ۱۷)، «مرا با جناب قاضی حاجتی است که باید در خلوه عرض کنم» (ص ۶۳ س ۱۳)، «مدۀ یکسال راه رفته» (ص ۱۴۴ س ۱۴).
بدون همزه نوشتن «است» و چسباندن به حرف ماقبل خود:

آهسته رو که بر سر بسیار مردمست
این جرم خاک را که تو امروز بر سری
(ص ۱۱ س ۳۷)

مرگ اینک ازدهای دمانست پیچ پیچ
لیکن ترا چه غم که به خواب خوش اندری
(ص ۱۲ س ۱۵)

نگذاشتن علامت مد روی الف مابین جملات:

از خون دل طفلان سرخاب رخ امیزد
این زال سپیدابرو، این مام سیه‌پستان
(ص ۲۰ س ۱)

غلط املائی

من و نفس نفیس و فقر و فاقه
نمیخواهم غنی گشتن به خاری
(ص ۲۰ س ۳۳)

«رخت خاب آفایش که همه از اقمشه فاخر بود» (ص ۱۰۷ س ۱۷)، «و تمام شهزادگان و خواتین در آن طوی حاضر شدند» (ص ۱۳۷ س ۸).

جدا نوشتن «ب» در فعل مضارع التزامی: «نظری کن به گورستان تا به بینی چندین مقابر و مزار که خفته‌اند» (ص ۲۷ س ۳۹)، «پس عباسه را به تو تزویج میکنم که در یک جا باشید تا من همیشه شما را به بینم» (ص ۴۳ س ۵۰)، «بلکه نظر به جانب درخت نماید تا او را به بیند و به عهد معهود آید» (ص ۵۰ س ۴۲).
چسبیده نوشتن حرف ندا:

هان ایدل عبرت‌بین از دیده نظر کن هان
ایوان مدائن را آئینه عبرت دان
(ص ۲۰ س ۳۷)

چه داری ایدل از این منزل ستم بر خیز
چو شیر مردان از زیر بار غم بر خیز
(ص ۳۴ س ۲۳)

نوشتن «ح» بصورت «چ»:

بر دید من خندی کانچا ز چه میگوید
گریند بر آن دیده کاینجا نشود گریان
(ص ۲۰ س ۳۸)

سبک‌شناسی اثر

دورانی که میرزا حسن زنوزی خوبی در آن میزیسته با دوره قاجار هم‌عصر بود که یکی از دوره‌های پررونق برای خلق آثاری کشکول‌وار و شاهکاری همچون بحرالعلوم است. او با تلفیق نظم و نثر به دو زبان عربی و فارسی توانسته حق سخن خود را بخوبی ادا کند و با بهره‌گیری از این روش توانسته از اشعار شعرابی معروف با دامنه وسیع و نمونه‌هایی از متون تعلیمی، عرفانی، تاریخی، ضرب‌المثلها، حکایات آموزنده و استناد به آیات و احادیث، ایرانی و مسلمان بودن خود را به نحو احسن نشان دهد. در اینجا بحر چهارم از بحور هفتگانه بحرالعلوم زنوزی در سه سطح فکری و زبانی و ادبی بررسی میشود.

سطح فکری

نسخه حاضر در قالب کشکول است. کشکول کتابی جنگ‌مانند شامل شعرها و نثرهای مورد علاقه شخص است که معمولاً توسط علمای قدیم جمع‌آوری میشود. معمولاً این شعرها و نثرها از دیوانها و کتابهای دیگران جمع‌آوری میشود. مطالب این کتابها، حاوی مضامین دینی، تاریخی، ادبی، ریاضی و نجومی تا فقه و اصول، معانی و علم بیان، صرف و نحو و لطیفه هستند. این مطالب اغلب بی هیچ نظم خاصی بدنبال هم آمده‌اند. چون در کشکول مخصوص درویش چیزهای مختلفی مانند نقل، آجیل، نان و پول وجود داشت، این کتابها را نیز که مطالب متنوعی داشت، کشکول مینامیدند.

میرزا حسن در بحرالعلوم ذوق هنری خود را زیبایی تمام به تصویر کشیده است. او فقط به نظم و نثر فارسی اکتفا نکرده، بلکه پرداختن به زبان عربی در این اثر ارزشمند دور از نظر نبوده تا جایی که اشعار عربی و فارسی در کنار هم از زیبایی خاصی برخوردارند؛ مانند «قصیده‌ای از دیوان امام علی علیه‌السلام» (ص ۲۷ س ۳۳)، «شعری از امام فخر رازی» (ص ۲۸ س ۲۲)، «قصیده‌ای از دیوان ابن المقری» (ص ۱۰۷ س ۳)، «دیوان ابونواس» (ص ۱۰۵ س ۱۳ و ۱۲)، «قصیده‌ای در ذکر فتح خیبر» (ص ۱۲۸ س ۱).

ذکر اشعار و شواهدی از شعرا: آوردن نام شاعران و آثاری از قبیل قصاید، قطعات و مقطعات که در این کتاب نمایان است. مانند اشعاری از قصیده خاقانی در هنگام دیدن طاق کسری، مقطعات انوری، اشعاری از عطار، سعدی، نظامی، کمال بن سهره، جنتی، امیر خسرو دهلوی، ادیب صابر، و جامی در آن گنجانده شده است.

ذکر ادعیه و نیایش: بعنوان نمونه حدیث قدسی از پیامبر اکرم (ص)، در صفحه هفت نسخه آورده شده است که: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» که در کتاب *ارشاد القلوب* (نوشته حسن بن ابی الحسن دیلمی به زبان عربی، از علمای قرن هشتم هجری، حاوی مواعظ قرآن و سنت و فضائل امام علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ص)؛ ج ۱ ص ۵۸) نیز به آن اشاره شده است.

ذکر مطالب تاریخی: او در بخشی از نسخه به تاریخ دولت طاهریه، ملوک صفاریه، آل سبکتگین، ملوک غور، آل بویه، سلاجقه، ملوک قراختایان، اکراد و الوار، سلاطین مغول، و ملوک ایلخانیه پرداخته است؛ بنابراین این نسخه در زمینه اطلاعات تاریخی هم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ مانند «ملوک فرس که پیش از عهد خاتم النبیین بودند چند طبقه‌اند: اولی پیشدادیان است و عدد ایشان با ضحاک و افراسیاب ده تن بودند، مدت ملک ایشان از کیومرث تا گرشاسف، دو هزار و ششصد و هشت سال و به قولی هزار و پانصد و شصت و هشت سال است؛ دومی کیانیان، از کیقباد تا اسکندر ده تن بودند و مدت ملک ایشان هفتصد و هفتاد و هفت سال بود. سومی، ملوک طوایف از عهد اسکندر تا زمان اردشیر بابکان مدت سیصد و هیجده سال ایران را ملوک الطوایف داشتند» (ص ۷۷ س ۳۹-۲۵).

ذکر مطالب تعلیمی: بعنوان نمونه آموزش حکمت به نوشیروان در صفحه چهارم نسخه: «چنین آورده‌اند که در وقت نوشیروان عادل هیچ چیز بزرگتر از حکمت نبود. ... روزی نوشیروان ورا (بوذرجمهر) طلبید و گفت می‌خواهم سخنی چند کوتاه با معانی بسیار و مختصر و با مقصود تمام جمع کنی؛ چنانچه مراد هر دو جهان به کار آید و باقیمانده‌گان را نیز سودمند بود و چون او را در کار دارند بر همه اعدا ظفر یابند و بعد از ما در جهان یادگار ماند. بوذرجمهر یک سال مهلت طلبید و این کلمات از استاد خود جمع کرد و ظفرنامه نهاد و به خدمت نوشیروان عادل برد. چون ورقی چند بخواند بغایت خوشدل شد و حکیم را خلعت پوشانید و یک شهر را انعامش کرد و این گفتارها به زر نویسند و پیوسته با خود میداشت و مطالعه میکرد و فواید بسیار حاصل کرد».

مضامین تعلیمی اخلاقی از قطعات جامی:

به فرق سر نهادن صد شتر بار ز مشرق جانب مغرب دویدن
(ص ۲۰ س ۲۹)

بسی بر جامی آسانتر نماید ز بار منت دونان کشیدن
(ص ۲۰ س ۳۰)

«در رعایت دلها میکوش و عیبها بپوش و دین به دنیا مفروش» (ص ۲۸ س ۱۳). «ای درویش نظری به گورستان تا ببینی چندین مقابر و مزار که خفته‌اند» (ص ۲۷ س ۳۷ تا ۳۸)، «ای درویش آزموده بیندیش و امل را بردار از پیش» (ص ۲۷ س ۴۵ تا ۴۶).

ذکر مطالب عرفانی: بخشی از نسخه به مکاتباتی مشتمل بر طریقه سیر و سلوک عارف ربانی آقا محمد البیدا بادی الاصفهانی تکیه دارد و اصطلاحاتی از قبیل تحقیق، تقلید، باطن و روح و اشعار عرفانی در آن گنجانده شده است.

از دیوان اشعار هاتف اصفهانی:

از شراب و بنگ روز جمعه در ماه صیام شیخ را بالای منبر ساختند مست و ملنگ
(ص ۲۰ س ۲۴)

از مولانا:

ما برون را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را
(ص ۲۰ س ۱۱)

از ابن یمین:

من و نفس نفیس و فقر و فاقه نمیخواهم غنی گشتن به خواری
(ص ۲۰ س ۳۳)

«که جز اول فناست عما سوی الله و دوم فنا فی الله» (ص ۱۶ س ۳۰)، ورع (ص ۲۷ س ۳)، زهد (ص ۲۷ س ۴)، ظاهر و باطن (همان س ۶)، شاهد و غیب (همان س ۸)، مراقبه (همان س ۱۰)، عزلت، خلوت و ذکر (همان س ۹)، وجد، عشق (همان س ۱۲)، مشاهده، معاینه، مکاشفه (همان س ۱۵)، جبروت (همان س ۲۰)، سکون (همان س ۲۴)، تلوین (همان س ۱۹)، رضا (همان س ۵۶)، مجاهدت (همان س ۵۲)، خوف (همان س ۵۳)، خشوع (همان س ۵۰)، استغفار (ص ۷۰ س ۵۹).

سطح زبانی

در بحر چهارم بحرالعلوم شیوه نثر ساده، بینابین و مصنوع دیده میشود که نمونه‌هایی از این نثر آورده میشود.

به کار بردن کلمات ترکی: «در دم جوانی آدینه نام از قشون اصفهان شاه زانو زد» (ص ۱۳۷ س ۲)، «شخصی خسروشاه نام از خیل امیر علاءالدین ایناق را نیز اراده شد» (ص ۱۳۷ س ۴)، «تا دامن سودا رود و یلغوز آغاج که قریب ده فرسنگ بود» (ص ۱۲۷ س ۲۱)، «ای فاطمه خاتون اگر آرزوی دیدن پادشاه داری» (ص ۱۳۷ س ۱۰)، «امیر تیمور گورکان چون از یورش هفت‌ساله بازپرداخت» (ص ۱۲۷ س ۱۸)، «که چون خان بر به رهنمونی صاحب دیوان از یاسای چنگیزخان انحراف نموده» (ص ۱۲۵ س ۸-۷).

حذف به قرینه لفظی: «دعوی تو دعوی به رمیت است قبول نمیشود مگر با دو شاهد و یک قسم، پس مجنون به لیلی غالب شد» (ص ۳۹ س ۱۱)، «که یکی به عراق میرفت و یکی به شام» (ص ۵۵ س ۲۵-۲۴)، «که از این طریق به حق نزدیک میشوند و به طریق رسول الله صلی الله میفتند و این دیگری طریق شام است که به دنیا و بشیطان» (ص ۵۵ س ۲۷)، «از فرمانها کدام است که نباید خوار داشت، گفت چهار فرمانست، اول فرمان خدا» (ص ۴ س ۱۰۳-۱۰۱).

وفور ترکیبات عربی:

یا انیس القلوب فی الخلوات بک تاوی الوحوش فی الفلوات
(ص ۵۳ س ۴)

می هر نشاء نشوء دارد نشوء العشق اطیب النشوات
(ص ۵۳ س ۵)

«به زبان عربی سلام داد و اهلا و سهلا گفت» (ص ۱۴۳ س ۸)، «اباء و اجداد بنده در سلک اکابر کرام شام انتظام داشتند» (ص ۴۵ س ۱۴).

وفور جمع مکسر: «مملو بود از انهار و اشجار و انهار و ازهار و اثمار و چشمه‌سار» (ص ۱۴۴ س ۱۷)، «و از همه عساکر و خزاین و جواهر مایوس شدم» (ص ۱۴۶ س ۶)، «مساکن اهل الفقر حتی قبورهم» (ص ۱۲۱ س ۳)، «اسلوب غریب من اسالیب الکلام» (ص ۱۴۴ س ۲۴)، «شرح فواضل آن طبقه را به سمع جمع میرساند» (ص ۴۵ س ۹).

آوردن صفت مؤنث برای جمع مکسر و موصوف مؤنث، به شیوه زبان عربی: «آنقدر از آثار عجیبه و بناهای غریبه در آنجا مشاهده کردند» (ص ۱۴۸ س ۱۱-۱۲)، «عمارات عالیة معموله از سنگ و آجر منقش از طلا و نقره و...» (ص ۱۵ س ۱۲)، «همه از اقمشه فاخره بود» (ص ۱۰۷ س ۱۷).

کاربرد ماضی استمراری کهن: «که آن را بالای جامه دیگر پوشیدندی» (ص ۵۳ س ۵۸). کاربرد فعل وصفی: «ساعتی متحیر مانده به هیچ طرف راه نیافته لاعلاج توکل بر خدا کرده» (ص ۱۴۴ س ۱۶)، «ناگاه در اثنای راه باد مخالفی وزیده سفینه آنها را از جزیره دور ساخته راه جزیره را گم کرده» (ص ۵۷ س ۳۵-۳۴).

کاربرد ترکیبهای اضافی و وصفی عربی: «در نظرش آن بود که خود را به مدینه النحاس و مدینه البهت و مدینه القهقهه میگویند، برساند» (ص ۱۴۴ س ۳۵).

کاربرد ترکیب وصفی مقلوب:

مدتی بالا گرفتگی تا بلوغ سرو بالا شدی سیمین عذار
(ص ۵ س ۱۳۲-۱۳۱)

طعمه برکندن به خشم از کام شیر گرسنه صید بگرفتن به قهر از پنجه غضبان پلنگ
(ص ۲۰ س ۲۵)
کاربرد افعال ماضی با «بای تأکید»: «چون این خبر بشنید، عرق غضبش جنبیده به احضار آن» (ص ۴۵ س ۱۰-۹).

به کار بردن شکل لازم فعل بجای شکل متعدی: «در همان سال قیمت نبط و بوریا که او را سوخته بودند» (ص ۴۵ س ۵).

سطح ادبی

تشبیه: تشبیهات به کاررفته در بحرالعلوم تشبیهاتی هستند ساده و رایج و بیشتر اضافات تشبیهی هستند که غالباً حسی و محسوس میباشند.

عروس ایمان مانده برهنه وز صد دست برای هیزم دوزخ به هم کشیده جهان
(ص ۳۴ س ۲۱)

پیری از نور هدی بیگانه چهره پر دود ز آتشفشان
(ص ۴۵ س ۴۹)

استعاره

گفت با آن کس که ما را آفرید این زمین و چرخ از او آمد پدید
(ص ۲۳ س ۴۱)

چارق و پاتابه لایق مر تو راست آفتابی را چنینها کی رواست؟
(ص ۲۴ س ۲)

آفتاب: استعاره از خداوند

کنایه

ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روزه دریابی
(ص ۲۲ س آخر-۲۱ س ۱)

در خواب بودن کنایه از غافل بودن

و آن دگر پخت همچنان هوسی وین عمارت به سر نبرد کسی
(ص ۲۲ س ۱)

هوس پختن کنایه از آرزو داشتن

هر که مزروع خود بخورد و بخید وقت خرمنش خوشه باید چید
(ص ۲۲ س ۳-۲)

خوشه چیدن کنایه از نیازمند شدن

«زن که این را شنید، انگشت حیرت به دندان گرفت» (ص ۴۱ س ۳۶-۳۵)، انگشت حیرت به دندان گرفتن کنایه از متعجب شدن (ص ۱۱ س ۹) و (ص ۱۴۴ س آخر).

مجاز

هر که آمد عمارتی نو ساخت رفت و منزل به دیگری پرداخت
(ص ۲۲ س ۱)

عمارت و منزل مجاز از زندگی مادی

گر نبندی زین سخن تو خلق را آتشی آید بسوزد خلق را
(ص ۲۴ س ۳)

خلق مجاز از دهان

«درین گفتمی جهان بر وی برآشفت» (ص ۳۷ س ۱۳). جهان مجاز از مردم جهان.

موازنه

در حق او مدح و در حق تو ذم در حق او شاهد و در حق تو سم
(ص ۲۴ س ۱۰)

ما برون را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را
(ص ۲۴ س ۱۱)

سجع: «در حل آن عاجز و قاصر ماند» سجع متوازن (ص ۱۳۸ س ۵۳)، «و از پدر و جدّ خود احوالات و عجایب این بلاد را شنیده» سجع مطرف (ص ۱۴۳ س ۵۴)، «شاید سلطان عزم جزم کرده باشد» سجع متوازی (ص ۷۱ س ۵)، «که افهام همه اعلام در حل آن عاجز و قاصر ماند» سجع متوازی (ص ۱۳۸ س ۵۸)، «آورده‌اند که مردی ضعیف و نحیف گریان و عربان با جگر بریان از لیف خورما بر خود لفیفه ساخته» سجع متوازی (ص ۲۵ س ۴۵-۴۴).

جناس

شرف مرد به جود است و سجود هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود
(ص ۳۲ س ۳۶)

دنیی آن قدر ندارد که برو رشک برند ای برادر که نه محسود ماند نه حسود
(ص ۳۲ س ۳۹)

شاهی که به حکم دوش کرمان میخورد امروز همی خوردند کرمان او را
(ص ۳۵ س ۵)

کرمان، کرمان: جناس تام

شعر و عرش و شرع از هم خاستند تا دو عالم زین سه حرف آراستند
(ص ۳۳ س ۳۷)

شعر و عرش و شرع: جناس قلب

از ثری تا به ثریا به عبودیت او همه در ذکر و مناجات و قیامند و قعود
(ص ۳۲ س ۴۰)

ثریا و ثری: جناس اشتقاقی

پند سعدی که کلید در گنج سعد است نتواند که به جای آورد الا مسعود
(ص ۳۲ س ۴۱)

سعدی، سعد، مسعود: جناس اشتقاق

«در جمیع علوم ماهر و عارف و از بحر معارف مغترف و فحول علماء...» (ص ۱۳۸ س ۳۲): جناس اشتقاق

«فی کلام احد المتخاطبین و اسلوب غریب من اسالیب» (ص ۱۴۱ س ۲۴): جناس اشتقاق

گر نبندی زین سخن تو خلق را آتشی آید بسوزد خلق را
(ص ۲۴ س ۳)

خلق و حلق: جناس خط / تصحیف

«چون رشید آن فصل فضل شنید» (ص ۴۵ س ۴۸): جناس خط / تصحیف

تکرار: «و صور ملوکی که آن قصر را ساخته و صور غلامهای ایشان که در دور آنها صف بسته» (ص ۱۴۴ س ۵۶)،
«و دیاری در آن دیار نبود» (ص ۱۴۵ س ۸)، «دنیا بمنزله خوابی است بلکه بمنزله سرایست» (ص ۱۴۵ س ۳۹)،
«هزار پادشاه اعور از چشم چپ و هزار پادشاه اعور از چشم راست و هزار پادشاه صحیح العین طعام خورده‌اند» (ص
۱۴۶ س ۱۶-۱۵).

واج آرایبی

هر که مزروع خود بخورد و بخشید وقت خرمنش خوشه باید چید
(ص ۲۲ س ۳-۲)

واج آرایبی حرف «خ»

من و نفس نفیس و فقر و فاقه نمیخواهم غنی گشتن به خواری
(ص ۲۰ س ۳۳)

واج آرایبی حرف «ف»

«و همه اهل و سکنه‌اش به چه نحو هلاک شد همه بیصاحب و خالی» (ص ۱۴۴ س ۲۸).

واج آرایبی حرف «ه»

شعر ملمع

تا توانی پا منه اندر فراق ابغض الشیاء عندی الطلاق
(ص ۲۴ س ۸)

لم یلد لم یولد او را لایق است والد و مولود را او خالق است
(ص ۲۴ س ۵)

مراعات النظیر

ای که داری چشم و گوش و هوش پند من در گوش کن چون گوشوار
(ص ۶ س ۱۱)

«بعد از آن اهل کشتی به گوشت مرغ و ماهی و سباع مهمانی کرد» (ص ۱۴۳ س ۱۴).

«همه از سنگ تراشیده و به جواهر و طلا منقش و منزه نموده و به سرب محکم کرده حیران ماندند» (ص ۱۴۵ س ۱۰-۹)، «از چوب صندل و ساج و آبنوس و عاج و به مسمارهای طلا و نقره او را محکم کرده‌اند» (ص ۱۴۵ س ۱۸)، «پادشاه دختری داشته در کمال عقل و هوش و کمال و جمال» (ص ۱۴۶ س ۲۹).

تضاد

با بدان بد باش با نیکان نکو جای گل باش و جای خار خار
(ص ۶ س ۷)

در حق او مدح و در حق تو ذم در حق او شاهد و در حق تو سم
(ص ۲۴ س ۱۰)

«فی اللغة النهر الصغير كالسرى و لعل التاء فاكثر المواضع» (ص ۱۴۰ س ۲۴).

ارسال‌المثل

هرکه مزروع خود بخورد و بخید وقت خرمنش خوشه باید چید
(ص ۲۲ س ۲-۳)

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد
(ص ۲۲ س ۱۶-۱۵)

تضمین آیات قرآنی: «و لئن شكرتم لازيدنکم» آیه ۷ سوره ابراهیم (ص ۱۰ س ۱۹)، «الهمک اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم» آیه ۱۶۳ سوره بقره (ص ۱۶ س ۱۷)، «فَاِذَا بَلَغَتِ اِلٰى قَوْمَهُ فَاذْكُرِيْهِمْ اِنْ كُنْتُمْ مِنْكُمْ اُمَّةً بِشَهَادَةٍ» آیه ۴۱ سوره نسا (ص ۲۹ س ۴)، «اجْتَنِبُوا كَثِيْرًا مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اُتْمٌ» آیه ۱۲ سوره حجرات (ص ۵۲ س ۲۴)، «وَقُوْذُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» آیه ۲۴ سوره بقره (ص ۲۹ س ۱)، «يَا اَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿۲۷﴾ اَرْجِعِيْ اِلٰى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿۲۸﴾ فَادْخُلِيْ فِيْ عِبَادِيْ ﴿۲۹﴾ سوره فجر (ص ۹۲ س ۹)، «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُوْنَ مَا اَرِيْدُ يَطْمَعُوْنَ اَنْ اَللّٰهُ هُوَ الرَّزَّاقُ ﴿۱۷﴾» (ص ۵ س ۱۸-۱۷).

اشاره به ادعیه و احادیث: «يَا اَصْحَابَ الْفِطْنَةِ وَ الْفِكْرِ الدُّنْيَا عَجُوزَةٌ بَكْرَةٌ مَّكَارَةٌ غَدَارَةٌ طَرَارَةٌ فِرَارَةٌ فِيْ كُلِّ لَخْطَلَةٍ» نهج البلاغه (ص ۲ س ۱۰)، «مَنْ عَرَّفَنِيْ طَلَبْتَنِيْ وَ مَنْ طَلَبْتَنِيْ فَصَدَّقْتَنِيْ وَ مَنْ طَلَبْتَنِيْ فَصَدَّقْتَنِيْ وَ مَنْ وَجَدْتَنِيْ وَ مَنْ وَجَدْتَنِيْ حَفِظْتَنِيْ» حدیث قدسی (ص ۲۵ س ۸-۹)، «يَا مَنْ يَّرِيْ وَ لَيَّرِيْ» اشاره به قسمتی از دعای جوشن کبیر (ص ۲۶ س ۱)، «اطلبوا العلم ولو بالصين» رسول اکرم (ص ۱۰۹ س ۲)، «اطلبوا العلم ولو بسفك المہج و خوض اللجج» امام صادق علیه السلام (ص ۱۹ س ۲)، «فَاِنَّهُ اَقْرَبُ اِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ» (ص ۵۲ س ۴).

نتیجه‌گیری

نسخه حاضر در دوره قاجاریه از ابعاد گوناگون قابل بررسی و حائز اهمیت است. او اثر کشکول‌وار خود را، که آمیزه‌ای از عرفان، اخلاق، امور دینی، تاریخ، و نکته‌های ادبی است، در قالب نظم و نثر به دو زبان فارسی و عربی به رشته تحریر درآورده که بعد از گذشت زمان طولانی مورد توجه پژوهشگران می‌باشد. میرزا محمدحسن زنونزی خوبی همچنین توانسته در قالب آثار شعرا و نویسندگان بزرگ و آوردن حکایات و ضرب‌المثلها، رسالت مطالب را هرچه زیباتر ادا کند. کاربرد آیات، روایات و احادیث، فهم نکته‌های اخلاقی، تربیتی و عرفانی را سهلتر میکند که حاکی از ابتکار، مهارت، معلومات و توان نقد وی در مسائل یادشده است. طبق مطالبی که در مقاله اشاره شد کاتب

در نگارش نسخه پایبند رسم الخط متدوال زبان فارسی نبوده است؛ زیرا نمونه‌هایی در زمینه سرکج و سرهم‌نویسی و جدانویسی ملاحظه میشود یا برای زیبایی ظاهری نسخه سعی داشته آرایشهای رایج نسخ خطی از جمله چلیپا و جوهر سرخ را مد نظر داشته باشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی استخراج شده است. سرکار خانم دکتر نجیبه هنرور راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم معصومه رحمانی فر بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر مجتبی صفر علیزاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Arinpour, Yahya. (1993). From Saba to Nima, vol. 1, Tehran: Zavvar, p. 46.
- Asghari Hashemi, Mohammad Javad. (2008). Guidelines for correcting texts as a guide for the research and revival of manuscripts, Qom: Dalil-e- Ma, p. 346.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1976). Stylistic, Vol.3, Tehran: Amir Kabir, pp. 347-348.
- Fadaei, Gholamreza. (2008). Introduction to manuscripts and rare works, Tehran: Samt, p. 62.
- Golmohammadi, Hassan. (1991). The Complete Diwan of Fath Ali Shah Qajar, p. 25, Tehran: Atlas, p.25.

- Rafiei, Ali. (1991). Riyaz al-Jannat, 4th Rowzeh, Vol.1, Qom: School of Aye Allah Marashi, p. 21.
- Riahi, Mohammad Amin. (1993). Tarikh-e- Khoy, Tehran: Toos, p. 25.
- Safari Agh Qale, Ali. (2019). Recognizing Edition, Tehran: Miras Maktoob, p. 123.
- Samiei Gilani, Ahmad. (1994). Notes on correcting texts, Vol. 4, Tehran: Nashr-e-Danesh, p. 4.
- Seyed Yunesi, Mir vadud. (2013). list of manuscripts of the central library of Tabriz, Vol. 1, Tabriz: Sotoudeh, p. 105.
- Sobhani, Towfiq. (2011). History of Iranian Literature, Tehran: Payam University Publishing House, Noor, p. 29.
- Sotoudeh, Gholamreza. (2001). Referencing and Research Methodology in Persian Literature, Tehran: Samt, p.4321.
- Vafadar Moradi, Mohammad. (2000). An introduction to the principles and rules of cataloging in manuscripts Tehran: Library of the Museum and Documents Center of the Islamic Council, Secretariat of Manuscripts Seminar, p. 49.
- Zenoozi Khoei, Mirzahasan Abdul Rasool. (1208 AH). Bahr al-Oloom Vol.2, Qom: Ayatollah Mar'ashi Library.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- آرین پور، یحیی، (۱۳۷۲)، از صبا تا نیما، ج ۱، تهران: زوار، ص ۴۶.
- اصغری هاشمی، محمدجواد. (۱۳۸۸)، شیوه‌نامه تصحیح متون راهنمای تحقیق و احیای متون خطی، قم: دلیل ما، ص ۳۴۶.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۵۵)، سبک‌شناسی، ج ۳، تهران: امیرکبیر، صص ۳۴۷-۳۴۸.
- رفیعی، علی، (۱۳۷۰)، ریاض الجنّه، روضه چهارم، ج ۱، قم: مکتب آیت‌الله مرعشی، ص ۲۱.
- ریاحی، محمدامین، (۱۳۷۲)، تاریخ خوی، تهران: توس، ص ۲۵.
- زنوزی خوبی، میرزا حسن عبدالرسول، (۱۲۰۸ ه.ق)، نسخه بحرالعلوم، ج ۲، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- سبحانی، توفیق، (۱۳۸۱)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: نشر دانشگاه پیام نور، ص ۲۹.
- ستوده، غلامرضا، (۱۳۸۰)، مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تهران: سمت، ص ۴۳۲۱.
- سمیعی گیلانی، احمد، (۱۳۷۳)، نکته‌هایی در باب تصحیح متون، ج ۴، تهران: دانش، ص ۴.
- سیدیونسی، میر ودود، (۱۳۹۳)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی تبریز، ج ۱، تبریز: ستوده، ص ۱۰۵.
- صفری آق قلعه، علی، (۱۳۹۰)، نسخه‌شناخت، تهران: میراث مکتوب، ص ۱۲۳.
- فدائی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، تهران: سمت، ص ۶۲.
- گل‌محمدی، حسن، (۱۳۷۰)، دیوان کامل فتحعلی‌شاه قاجار، ص ۲۵، تهران: اطلس، ص ۲۵.

وفادار مرادی، محمد، (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر اصول و قواعد فهرست‌نگاری در کتب خطی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دبیرخانه سمینار نسخه‌های خطی، ص ۴۹.

معرفی نویسندگان

معصومه رحمانی‌فر: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(Email: rahmanifar202@gmail.com)

نجیبه هنرور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(نویسنده مسئول: Najibeh.honarvar@irukhoy.ac.ir)

مجتبی صفر علیزاده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(Email: Mojtaba.safaralizadeh@iaukhoy.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Masoumeh Rahmanifar: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature and Secretary of Education, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.
(Email: rahmanifar202@gmail.com)

Najibeh Honarvar: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.
(Email: Najibeh.honarvar@irukhoy.ac.ir : Responsible author)

Mojtaba Safar Alizadeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.
(Email: Mojtaba.safaralizadeh@iaukhoy.ac.ir)